

موضوع: تعارض طبیعت و صنعت جامعه در ایران و زایش بیماری دوقطبی اجتماعی

مدرس: حجت‌الاسلام و المسلمین حسین مهدی‌زاده

#### طبیعت و صنعت جامعه

فلاسفه و حکما در طول تاریخ درباره جامعه بسیار صحبت کرده‌اند و دو اصطلاح «طبیعت» و «صنعت» در حوزه مباحث فلسفی از دیرباز مورد گفتگو قرار گرفته و اموری شناخته شده‌اند. اما این بحث در گفتار خواجه نصیرالدین طوسی مرکزیت یافت. خواجه لحظه انتقال قدرت فرهنگی و سیاسی از جریان عامه اسلام به جریان خاص تشیع اثنی عشری درک کرده است. او در کتاب اخلاق ناصری به این بحث پرداخته و اساساً نحوه ورود و پرداخت او از سایر فلاسفه متفاوت است.

#### نظریه خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه معتقد است طبیعت جامعه حقیقت اصلی جامعه است که به وسیله صنعت می‌توان در آن دخالت کرد. از این رو طبیعت و صنعت بایستی متناسب با یکدیگر باشند تا فساد لازم نیاید. در ادامه نیز معتقد است اگر طبیعت جامعه محبت باشد، صنعت و قوانین و احکام جامعه باید متناسب با آن بوده و از این رو احکام و قوانین جامعه متغلبه در آن کارایی ندارد. (جامعه متغلبه آن جامعه‌ای است که با غلبه و زور شکل گرفته است نه محبت).

#### تناسب طبیعت و صنعت

حال اگر ما می‌خواهیم جامعه بسازیم باید طبیعت آن را درست انتخاب کنیم و درست‌ترین طبیعت، محبت است. این یعنی جوامعی هم داریم که طبیعت آنها براساس محبت نباشد. در جامعه‌ای که طبیعت محبت نباشد، تألف و الفت میان مردم امکان‌پذیر نیست ولو شما با قانون و غلبه بخواهید میان مردم الفت ایجاد کنید. این الفت ایجاد نخواهد شد و حاصلی جز فساد ندارد.

#### جامعه استیلا

در مقابل این طرح، ارسطو نیز طرحی دارد که در آن جامعه به دو گروه تقسیم می‌شود. او معتقد است طبیعتاً برخی انسان‌ها شریف و فرمان‌ده هستند و برخی دیگر وضع و فرمانبردار و برده. این شکل از تعریف، نوع دیگری از روابط میان افراد جامعه را ایجاد می‌کند که از آن به استیلا می‌توان یاد کرد.

## ❖ جامعه بازار



شکل دیگری از جامعه‌سازی نیز وجود دارد که در آن طبیعت جامعه را سود و منفعت‌طلبی افراد جامعه ترسیم کرده و معتقد به دست نامرئی باشیم که صنعت توسط آن صورت می‌گیرد. یعنی آن دست نامرئی در طبیعت دخالت می‌کند که متناسب با همان طبیعت سودانگاران است. این شکل از طبیعت و صنعت، روابطی می‌سازد که از آن به جامعه بازار یاد می‌کنیم.

## ❖ دست فضا ساز!

نکته حائز اهمیت آنکه وقتی این اشکال متفاوت از جامعه را داریم و قائل هستیم که طبیعت جامعه باید بر اساس محبت باشد و صنعت متناسب با خودش را داشته باشد، باید دنبال آن صنعت متناسب باشیم. **طبیعی‌ترین دستی که در جامعه دخالت می‌کند و نباید از آن غافل بود دست فضا ساز است.** در نتیجه فضا باید متناسب با طبیعت جامعه ساخته شود. اگر طبیعت جامعه را محبت تعریف کردیم و خواستیم، نباید فضا از سنخ جامعه استیلا یا جامعه بازار باشد.

## ❖ فضا چیست؟

منظور ما هم از فضا یعنی **جایی که کاربری‌های مختلف در آن جمع می‌شود.** یعنی ترکیبی که این کاربری‌ها ایجاد می‌کنند. فضا نیز توسط شهرساز و معمار ساخته می‌شود اما مبتنی بر زندگی و دانش‌های زمانه. در نتیجه شهرساز نمی‌تواند مستقل عمل کند.

## ❖ فضا و امر فرهنگ

همین موضوع از زاویه روان‌شناسی نیز مورد تامل است. **روان‌شناسان معتقدند که فضا با ناخودآگاه ما گفتگو می‌کند.** لذا فضا ما را برای داشتن یک نوع از فرهنگ تحقیر یا تمجید می‌کند. ما را ترغیب یا مرعوب می‌کند. مثلاً ما فضایی ساختیم که مردم امکان تفریح در منزل را ندارند و خانه صرفاً به یک سرپناه یا پارکینگ انسانی تبدیل شده است. لذا انسان وقتی از کار برمی‌گردد در پارکینگ انسانی و سلول خود استراحت می‌کند تا انرژی بگیرد برای فراغت به مکان دیگری غیر از خانه برود. در فضای بیرون از خانه، همواره در معرض مصرف کردن و خرید کردن است. چون فضای شهری متناسب با جامعه مصرفی و سرمایه‌داری است. اینجا فرهنگی که مانع اسراف یا مصرف‌گرایی افراطی است تحقیر شده و مصرف‌گرایی تمجید می‌شود با همان فضا و کالبد که دست دخالت در جامعه است.

## ❖ بیماری دو قطبی اجتماعی

اینجاست که انسان دچار نظام‌های ارزشی مختلفی می‌شود. از یک سو فرهنگ متعالی دارد که وی را به ارزش‌های دینی و اخلاقی توصیه می‌کند و از سوی دیگر کالبد شهری و فضا او را به مصرف‌گرایی می‌کشاند. نتیجه آنکه این انسان و جامعه دچار بیماری دو قطبی شده و فرو می‌ریزد.



ما در نظریه اجتماعی خود قائل هستیم که جامعه طبیعت محبت دارد و روابط عمودی خود را بر مبنای ولایت و روابط افقی خود را بر مبنای اخوت باید شکل دهد. در نتیجه کالبد و فضای شهری که همان دست دراز کردن و آوری نگاه دخالت است باید متناسب با این نظریه اجتماعی ساخته شود تا جامعه دچار نظام‌های ارزشی متعدد و نهادستان آینده متناقض نشده و به فروپاشی نرسد.

